

متن پرسش

به نام خدایی که بس وفا کننده و پایدار و متعالیست که هرگز بندگانش را فراموش نکرده و پاداشی متناسب با رحمت خداییش به بندگانی که دوست داشتند انسان باشند و این خوب بودن را در دین جستجو کردند و همواره دل به شیطان بزرگ نتوانستند بسپارند. استاد عزیزم خداگواهه اگر می‌رفتیم و به شیطان می‌گفتیم قول میدیم راه تورا پیش بگیریم و کافر شویم، همه کسانی که گوش بفرمانش بودند را به خط می‌کرد تا سرتاپای ما را طلا بگیرند و زیباترین همسر را با بهترین امکانات زندگی در اختیارمان می‌گذاشت. در ازای کفری روز افزون، ولی راه دین را پیش گرفتیم مثل اصحاب کهف که خدا من باب شرایطشان در قرآن فرموده: «آنان جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و ما بر هدایتشان افزودیم (۱۳) و اکنون که از آنان و آنچه غیر خدا می‌پرستند، کناره گرفته اید، پس به این غار پناه گیرید تا پروردگارتان از رحمتش بر شما بگستراند و در کارتان آسایش و آسانی فراهم آورد. (۱۶) و خورشید را می‌بینی که وقتی طلوع می‌کند، از سمت راست غارشان متمایل می‌شود، و وقتی غروب می‌کند، سمت چپشان را ترک می‌کند، و آنان در محل وسیعی از آن غارند این از نشانه‌های خداست. خدا هر که را هدایت کند، راه یافته است و هر که را گمراه نماید، هرگز برای او یاور و دوست هدایت کننده‌ای نخواهی یافت. (۱۷) آیا کسانی که کافرند، پنداشته‌اند که بندگانشان را، به جای من سرپرستان خود می‌گیرند ما دوزخ را برای پذیرایی کافران آماده کرده ایم (۱۰۲). بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم از جهت عمل آگاه کنم؟ (۱۰۳) کسانی هستند که کوششان در زندگی دنیا به هدر رفته در حالی که خود می‌پندارند، خوب عمل می‌کنند. (۱۰۴) آنان کسانی هستند که آیات پروردگارشان و دیدارش را به وسیله او منکر شدند، در نتیجه اعمالشان تباه و بی‌اثر شده است، پس روز قیامت میزانی برای آنان برپا نمی‌کنیم (۱۰۵). این است [وضع و حال زیانکاران] به سبب آنکه کفر ورزیدند و آیات من و پیامبرانم را به مسخره گرفتند (۱۰۶). مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بهشت‌های فردوس جای پذیرایی آنان است (۱۰۷). در آن جاودانه‌اند و از آن درخواست انتقال به جای دیگر نمی‌کنند (۱۰۸).» البته همه سوره داستان زندگی ماست. دلم می‌خواهد بگم از شرایطی که داشتیم، شرایطی که همه بی‌هویتی بود و به زور به ما هویت آمریکایی تحمیل می‌کردند و ما آن هویت‌ها را از خود ندیدیم هرچند گمشدیم اما هرگز ما اهل کفر نیستیم. خوشا بحال ما که خود را در آغوش خدا می‌خواستیم و چه محاسبه‌اعلایی. ای حضرت ماه‌ای رهبری و شیخ نعیم قاسم و دیگر ماه‌های پر فروغ عالم‌ای فانیان از غیر حق و باقیان به یگانگی حق که به ما در ظلمات، خبر از خورشیدی می‌دهید و تا قیامت راه هدایت را در شب‌های ظلمات آخرالزمان به اراده خدا روشن

می‌دارید تا باز این مقاومت را طوری پاس بداریم که همواره در راه باشیم، نورتان افزون باد و حضورتان بیش باد به قدرت و نور الهی ان شاءالله. خدایا ما را شاکر این اسلام و انقلاب و اولیاء بدار که بی آنان بی هویت می‌شویم و اگر نبودند دینت بفراموشی سپرده می‌شد و خدایا بلطف تو و با افق جاویدان قیامتت در قلوبمان، راه دینداری تو عین زندگی گشوده و راحت می‌شود و هیچ دشمنی ما را به کناره گیری‌ها مجبور نتواند کند و حضوری جهانی را در عین دین داری زندگی می‌کنیم ان شاءالله و مشکلات ما را حل خواهی نمود و این یعنی توان عبور از مشکلات و آغار زندگی توحیدی آخرالزمانی.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! ولی انسان حقیقتاً همان‌طور که فرمودید به خود می‌آید در همان طوفانی که شیطان ایجاد می‌کند و باز می‌تواند در همان طوفان، آری! در همان طوفان راه را از بیراهه تشخیص دهد و زیبایی زندگی در همین نوع از حضور است حتی اگر بنا بر آن باشد که در کنار شهید سید حسن نصرالله و شهید یحیی سنوار، حیاتی گسترده‌تر از زندگی دنیایی و جسمانی به بشر عطا شود. آیا ما بعد از سید مقاومت و شهید سنوار، زنده‌تر از قبل، راه را ادامه نخواهیم داد؟ امری که برای جبهه استکبار و جبهه صهیونیسم پنهان است و متوجه نیستند به هر حال تاریخ آن‌ها گذشته است و درک افول و سقوط خود را به گفته خودشان با داشتن رسانه و اسلحه و تکنیک سایبری نخواهند فهمید. همان‌طور که در جواب سؤال شماره ۳۹۱۱۱ عرض شد مهم آن است که ما به تاریخی که با مقاومت به میان آمده است که ماورای شکست و پیروزی‌های تعریف شده در جبهه استکبار؛ به مقاومت به معنای راهی که راه مقابله حق در مقابل باطل است، فکر می‌کنیم. موفق باشید